



اعتبارسنجی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت با رویکرد ارزیابی روایات "التفسیر الاثری الجامع"

فاطمه حکیم زاده^۱

مجید معارف^۲

چکیده

تحقیق حاضر به اعتبارسنجی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت پرداخته است. ایشان کتاب تفسیری با عظمتی را با همین روایات تفسیری به نام التفسیر الاثری الجامع تدوین کردند. در این تحقیق ابتدا توضیح اندکی در باره زندگی علمی آیت الله معرفت و کتاب التفسیر الاثری الجامع و تعریف تفسیر مأثور (روایات تفسیری) آمده است. در ادامه، نظر آیت الله معرفت در باره اعتبارسنجی روایات تفسیری در سه مرحله آمده است که عبارت اند از: اول: اعتباربخشی به روایات تفسیری و بررسی حجیت منبع روایات تفسیری، که خود شامل حجیت روایات تفسیری پیامبر ﷺ و اهل بیت  و اعتبار روایات تفسیری صحابه و تابعان است؛ دوم: بررسی سندی روایات تفسیری؛ سوم: بررسی محتوایی روایات تفسیری. آیت الله معرفت ملاک های اصلی خود را برای ارزیابی احادیث، عرضه بر قرآن و سنت و عدم تعارض با عقل می داند.

کلید واژه ها: اعتبارسنجی، روایات تفسیری، آیت الله معرفت، التفسیر الاثری الجامع

* تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۶

۱. کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: fg۱۳۵۱۳۵@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه تهران، رشته علوم قرآن و حدیث.

Email: maaref@ut.ac.ir

مقدمه

امام علی علیه السلام: إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَنْيَقُ وَبَاطِنُهُ أَعَمُّ لَا تَغْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ؛^۱ به راستی که قرآن ظاهرش زیباست و باطنش عمیق، عجایبش پایان ندارد، اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌های جهل جز به وسیله آن رفع نخواهد شد.

با سابقه‌ترین دانشی که در عصر نزول ظهور یافت، تفسیر بود که عهده‌دار حل معضلات، ابهام‌ها و مجملات قرآن شد. مردم برای حل مشکلات تفسیر به رسول خدا، بزرگان صحابه و تابعان مراجعه می‌کردند از همین جا بود که تکیه‌گاه اصلی در تفسیر، نقل خبرهایی شد که از سندیت محکمی برخوردار بود.

مجموعه‌های معتبر روایی از ابتدا تا به امروز روایات تفسیری را در خود جای داده‌اند و عالمان فهمیم و متخصص و کارشناسان واقعی دین این روایات را با تدوین مجموعه‌های معتبر و کار آمد در طول تاریخ جاری ساخته‌اند.

ولی از آن‌جا که اعتبار و حجیت روایات تفسیری از مباحث بسیار مهم و ضروری است جا دارد که عنایت ویژه‌ای به آن مبذول شود. آیت الله معرفت جزء کسانی است که در این وادی سخنان بسیار محکم و متین و استواری دارند و دفاع جانانه ایشان از دیدگاه احادیث تفسیری ستودنی است که در این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

همچنین ایشان با نوشتن موسوعه تفسیری ارزشمند خویش تحت عنوان التفسیر الاثری الجامع با نگاهی جدید، علمی، عمیق و همه‌جانبه روایات تفسیری را مورد مطالعه و بررسی قرار داد، بار دیگر این گنجینه گرانبها را احیا و توجه همگان را به عمق و محتوای این میراث عظیم روایی جلب کرد.

آیت الله معرفت و آثار تفسیری او در یک نگاه

آیت الله معرفت در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در کربلا در میان خانواده‌ای روحانی و دوستدار قرآن و عترت به دنیا آمد. پدرش مرحوم شیخ علی معرفت از روحانیان با فضیلت بود که از پانزده سالگی ساکن کربلا شده بود. خاندان آیت الله معرفت همه اهل علم و تقوا بودند و در این راستا سابقه‌ای ۳۰۰ ساله داشتند و همگی فرزندان مرحوم شیخ عبد العالی میسی، صاحب رساله میسیه بودند که از قریه میس جبل عامل به اصفهان هجرت می‌کند و جد بزرگ آیت الله معرفت با اهل و عیالش به کربلا می‌رود و در

۱. رضی، محمد بن الحسین؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه چاپ الهادی، ص ۲۲۳، خطبه ۱۸.



آنجا زندگی می‌کند. آیت الله معرفت، تحصیلات خود را در مکتب خانه‌های آن روزگار آغاز کرد و حتی کتاب جامع المقدمات را هم در آن مکتب خانه‌ها فرا گرفت. پس از آن وارد حوزه علمیه کربلا شد و با تلاش فراوان به فراگیری دروس دوره سطح پرداخت. بخشی از دروس سطح را نزد پدر و بخش دیگری را نزد استادان حوزه علمیه کربلا فرا گرفت. پس از آن به درس خارج فقه و اصول رفت و یک دوره خارج اصول و بخشی از خارج فقه را در همان حوزه به پایان رساند. سپس برای بهره‌مندی از محضر آیت الله العظمی خوئی^(ره) و دیگر استادان حوزه علمیه نجف، وارد این شهر شد. در آنجا نیز از محضر علمای فرزانه، بهره‌های فراوان برد. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شد و پس از چندی شرکت در درس مرحوم میرزا هاشم آملی، تدریس رسمی خود را آغاز کرد.

آیت الله محمد هادی معرفت، در سال‌های تحصیل خود محضر علمای بزرگ و استادان سترگی را درک کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به: شیخ علی اکبر نائینی، شیخ سعید تنکابنی، شیخ محمدحسین مازندرانی، سید حسن آقامیر، شیخ یوسف بیارجمندی خراسانی، آقا میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی، آیت الله حکیم، مرحوم آقای فانی، امام خمینی^(ره) و ... اشاره کرد.

استاد معرفت از برجسته‌ترین دانشیان و پژوهشیان قرآنی است که سال‌های متمادی از عمر خود را در راه تحقیق، تدریس و تألیف معارف قرآنی گذرانید و در این زمینه، از خود آثار گرانسنگی بر جای گذاشت. تخصص استاد در فقه، اصول، ادبیات عرب و مطالعات گسترده و عمیق قرآنی، باعث غنای آثار استاد معرفت شده و مقبولیت عام این نگاشته‌ها را در مجامع علمی، اعم از حوزوی و دانشگاهی، در پی داشته است. ارائه بیش از چهل اثر چاپی در قالب کتاب و ده‌ها مقاله تنها گوشه‌ای از کارنامه پربار علمی اوست. کتاب‌های التمهید فی علوم القرآن در هفت جلد، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب در دو جلد، صيانة القرآن من التحريف، شبهات و ردود و التفسیر الاثری الجامع و ... و ده‌ها مقاله و مصاحبه علمی، بیانگر گستره عظیم تلاش‌های علمی آن شخصیت فرزانه است.

معرفی کتاب التفسیر الاثری الجامع

التفسیر الاثری الجامع، تفسیر قرآن به روش مأثور با سبکی بدیع و شیوه‌ای ابتکاری است. این کتاب شامل مقدمه‌ای نسبتاً مفصل در مباحث علوم قرآنی چون ظهر و بطن، بررسی فضایل قرآن، تفسیر به رأی، صيانة القرآن من التحريف، تفسیر در دوران صحابه، مدارس تفسیر، شأن نزول‌ها، حروف مقطعه در اوایل سوره‌ها و ... است. پس از مقدمه، تفسیر سوره‌ها به صورت ترتیبی از سوره حمد آغاز شده است



که جلد اول تا پایان سوره حمد و پنج جلد دیگر به تفسیر سوره بقره اختصاص یافته است.

در این تفسیر ابتدا بخش‌های آیات تعیین شده و مفسر با استفاده از محتوای روایات موجود درباره آن، تفسیری اجمالی از آن ارائه نموده و سپس روایات مربوط به هر بخش را ذکر کرده که معمولاً به صورت ذیل دسته‌بندی شده است: روایاتی در بیان فضیلت سوره؛ روایاتی در بیان شأن نزول؛ روایاتی مربوط به قرائت؛ روایاتی در تفسیر واژگان و مفردات آیه؛ روایاتی در تفسیر مستقیم یا متناسب با آن بخش از آیات؛ روایات مجعول و اسرائیلیات. سپس مفسر محترم در بعضی موارد به نقد روایات موجود و جمع‌بندی آن‌ها پرداخته است.

آیت الله معرفت انگیزه و هدف خویش از تألیف کتاب التفسیر الاثری الجامع را این گونه بیان می‌کند: روایات تفسیری، جملگی به صورت خام در کتاب‌ها عرضه شده است و کاری که فقها بر روی روایات فقهی انجام می‌دهند، بر روی روایات تفسیری انجام نگرفته و لذا سلیم و سقیم به هم آمیخته است. برای جداسازی و تعیین سرنوشت نخبه تفاسیر روایی با همت دوستان فاضل خویش به این کار خطیر اقدام نمودم.^۱

تعریف تفسیر مآثور

آیت الله معرفت درباره تفسیر مآثور می‌فرماید:

تفسیر نقلی یا تفسیر مآثور در بیان و تفصیل آیات مبهم، قبل از هر چیز، بر خود قرآن استوار است و سپس بر روایات نقل‌شده از معصوم (پیامبر یا امامان معصوم: که جانشینان برگزیده آن حضرت‌اند) و بعد از آن، بر روایاتی از صحابه بزرگوار پیامبر و تابعان آنان که در توضیح و شرح دشواری‌های آیات مبهم وارد شده است.^۲

استاد تمامی احکام و سنن شریعت را که تفصیل مجملات قرآن است و تفسیر این آیات به حساب می‌آید و با خبر واحد جامع شرایط به دست ما رسیده است را جزء تفسیر اثری به حساب می‌آورند.^۳ ایشان تفسیر اثری را از محکم‌ترین ارکان و بزرگ‌ترین منابع تفسیر در استخراج و تحقیق به شمار می‌آورد. به

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، مترجم: جواد ایروانی، قم: مؤسسه التمهید، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش؛ ج ۱، ص ۶.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۱۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۲.

گفته ایشان صاحبان جوامع حدیثی نیز به شکل‌های گوناگون در نقل آن، آثار و گزارش آن اخبار تلاش کردند ولی بیشتر آن‌ها بدون ارزیابی بود.^۱

پیشینه تحقیق

در باره اعتبار روایات تفسیری، کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب‌های اعتبار و کاربرد روایات تفسیری از علی احمد ناصح، آسیب‌شناسی روایات تفسیری از محمد تقی دیاری بیدگلی که در این کتاب‌ها از نظرات آیت الله معرفت هم استفاده شده است و مقالات «روش تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه آیت الله معرفت» از سید مصطفی احمدزاده، «تفسیر صحابه و تابعان از دیدگاه آیت الله معرفت» از مجید معارف، «جایگاه تفاسیر روایی از دیدگاه آیت الله معرفت» از حسین علوی مهر، «بررسی روش گرایش روایی در تفسیر از دیدگاه آیت الله معرفت» از حیدر علی رستمی، «جایگاه روایت در تفسیر قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت» از علی احمد ناصح و ...

مقاله دیگری که در این زمینه وجود دارد، «اعتبارسنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت» از محمدعلی رضایی اصفهانی است. ایشان در این مقاله، نظرات دانشمندان به ویژه آیت الله طباطبایی را در این مورد مطرح می‌کند و بعد سخنان آیت الله معرفت را هم در این زمینه می‌آورد و بیشتر از مقدمه التفسیر الاثری الجامع در این زمینه استفاده کرده‌اند که بیشتر نظرات به صورت تئوری است و از نمونه‌های عملی هم تقریباً استفاده نشده است. ما در این پژوهش سعی کرده‌ایم نظرات آیت الله معرفت را در این زمینه آورده و از چند کتاب ایشان از جمله التفسیر و المفسرون استفاده کنیم. هدف ما در این پژوهش بیشتر کار عملی ایشان روی روایات تفسیری کتاب التفسیر الاثری الجامع است و با آوردن نمونه‌های عملی سعی کرده‌ایم که برخورد ایشان را با روایات تفسیری نشان دهیم که از این نظر، هم با این پژوهش و هم با پژوهش‌های دیگر در این زمینه تفاوت دارد.

اعتبار سنجی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت

در باره اعتبار روایات تفسیری سه بحث عمده وجود دارد: اول: اعتباربخشی به روایات تفسیری با بررسی حجیت منبع روایات تفسیری؛ دوم: بررسی نقد سندی روایات تفسیری؛ سوم: بررسی محتوایی روایات تفسیری. هر سه بحث اهمیت و نقش زیادی در تفسیر روایی دارد و در طول تاریخ تفسیر مورد بحث و

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۱، ص ۳۳.





بررسی مفسران و ارباب علوم قرآن بوده و هست.^۱ آیت الله معرفت نیز در کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب و در مقدمه التفسیر الاثری الجامع به این مباحث پرداخته‌اند.

اعتبار بخشی به روایات تفسیری از طریق بررسی حجت منبع روایات تفسیری

آیت الله معرفت در باره اعتبار روایات تفسیری و منابع آن‌ها در مقدمه کتاب التفسیر الاثری الجامع و التفسیر و المفسرون مطالب مبسوطی بیان کرده است که روش ایشان را در این مبحث مهم تفسیری روشن می‌سازد و در حقیقت اساس تفسیر خود را بر این مطالب بنیان گذارده است:

حجت تفسیر پیامبر ﷺ

آیت الله معرفت، پیامبر ﷺ را مفسر خبیر قرآن معرفی می‌کند که به دستور الهی مشکلات قرآن را توضیح می‌دهد تا حجت بالغه الهی باشد. ایشان می‌فرماید:

پیامبر ﷺ نسبت به قرآن جایگاه مفسری آگاه به معانی کلام خدای تعالی را داشت، خداوند به او فرمان داده بود که در کنار تبلیغ به تبیین و تفسیر بپردازد. «لا شک انّ المأثور عن النبی ﷺ تفسیراً و تبیاناً و تفصیلاً لمجملات القرآن حجة بینة»؛ بی‌شک روایات مأثور پیامبر ﷺ در زمینه تفسیر، تبیین و تفصیل مجملات قرآن حجتی آشکار است. خواه از طریق عترت پاک او به ما رسیده باشد که بیشتر آن‌ها از این دسته‌اند یا از طریق اصحاب و یا امتش.^۲

در جای دیگر دلیل این حجت را این آیه می‌شمارد: ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۳ بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند و می‌فرماید:

پیامبر اکرم ﷺ وظیفه خود می‌دانست که در رفع ابهام یا توضیح و بسط آنچه قرآن به اجمال گفته است، با بیانی روشن و رسا خواسته‌های مسلمانان را برآورد. پیامبر ﷺ به طور مداوم قرآن را آیه به آیه که بر صحابه تلاوت می‌فرمودند، مواضع ابهام آن را هم برطرف می‌ساختند و راه استنباط و بهره‌ور شدن از

۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ «روش‌شناسی کتاب التفسیر الاثری الجامع»، ص ۲۳۱.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳. نحل / ۴۴.



مفاهیم عالیۀ قرآن را به آنان می‌آموختند. بنابراین صحیح این است که بگوییم پیامبر ﷺ برای امت، به ویژه اصحاب کبار تمامی معانی آیات قرآن کریم را بیان داشته‌اند و تمامی اهداف و مقاصد شریف قرآن را بر ایشان شرح داده است. به ویژه که احادیث برجای مانده از ائمه علیهم السلام درباره فروع احکام و مفاهیم قرآن را بدان ضمیمه نماییم، که در این صورت هیچ نقطه ابهامی درباره مفاهیم قرآنی باقی نخواهد ماند.^۱

اعتبار تفسیر اهل بیت علیهم السلام

آیت الله معرفت معتقد است که روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام مثل روایات پیامبر ﷺ حجت است. ایشان در کتاب‌های التفسیر المفسرون و التفسیر الاثری الجامع این مطلب را به صورت اجمالی و پراکنده بیان کرده است و گاهی اهل بیت علیهم السلام را (عترت طاهره) خوانده‌اند:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره عترت طاهره، در کنار قرآن سفارش نمود و آن دو را یادگارهای ماندنی و جاودانه خود در میان امت قرار داد و از آن دو به تقلید تعبیر کرد که تا زمان رستاخیز و حضور در کنار حوض کوثر از یکدیگر جدایی نپذیرند. این تعبیر، کنایه از استمرار خط این دو، تا فرجام جهان است و بسان دو پرچم هدایت برای امت با هم دوام خواهند یافت و تا هنگامی که بدان دو چنگ بزنند هرگز گمراه نخواهند شد.^۲

اَنِّی تَارِکٌ فِیْکُمُ الثَّقَلِیْنِ کِتَابُ اللَّهِ وَ عِزَّتِی مَا اَنْ تَمْسُکْتُمْ بِمَا لَنْ تَضِلُّوا اَبَدًا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یُرَدَّا عَلٰی الْحَوْضِ.^۳

در باره حدیث ثقلین نکاتی وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- لزوم مودت اهل بیت علیهم السلام؛ ۲- تداوم امامت اهل بیت علیهم السلام به طور جاودانه در طول حیات امت و اثبات مرجعیت پس از پیامبر ﷺ در فهم امور دینی و معانی قرآن، آن هم مرجعیتی خطاناپذیر و مصون، بسان مرجعیت قرآن؛ ۳- اهل بیت علیهم السلام راسخان در علم و مصداق کامل صفت «اهل الذکر» هستند که تفسیر و تأویل قرآن را یک جا می‌دانند؛ لذا فقط اینانند که

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۱؛ معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۴۳۳.

۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، تحقیق محمد باقر بهبودی، لبنان: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲، ص ۲۲۶؛ ج ۲۳، ص ۱۰۹؛ ج ۲۵، ص ۲۳۷؛ ج ۳۵، ص ۱۸۴؛ ج ۳۶، ص ۳۳۱ و ...



برای همیشه شایستگی مرجعیت امت در فهم معانی قرآن و آموزش آیات آن را دارند.^۱

آیت الله معرفت در باره نقش اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر قرآن می فرماید:

نقشی که امامان اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر قرآن ایفا کردند، نقش تربیتی - آموزشی و راهنمایی مردم به راه‌های تفسیر بود. اینان بیان کردند که شیوه شایسته برای فهم معانی کلام خدا چیست و کیفیت احاطه بر نکات دقیق و اسرار این کلام جاودانه الهی چگونه است؛ لذا تفسیر اینان از قرآن که در قالب روایات به ما رسیده است، جنبه الگویی دارد که بر امت و دانشمندان عرضه داشته‌اند تا شیوه تفسیری را بیاموزند، آن هم شیوه‌هایی که بر پایه‌های مستحکم و اصولی استوار بنا نهاده شده است. نکات ظریفی که در لابه‌لای حجم فراوان تفاسیری که از ایشان به تعلیم و تربیت افراد شایسته برای راه یافتن به تفسیر قرآن است تا آنان را به نکته‌ها و ریزه‌کاری‌های این برترین کتاب آشنا سازند. آری، اینان وارثان قرآن عظیم و حاملان و تبیین‌کنندگان آن برای مردم در کمال امانت و صداقت‌اند تا قرآن را برای ایشان کریمانه تفسیر کرده و به آنان تحویل دهند.^۲

البته شیوه عملی ایشان در نوشته‌ها و تفسیر مورد بحث همین است که روایات تفسیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) را حجت می‌شمردند.^۳

اعتبار تفسیر صحابی

آیت الله معرفت برای اقوال صحابه ارزش خاصی قائل بودند چون آن‌ها نزدیک به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده و معمولاً مطالب او را نقل می‌کردند:

تفسیر صحابی ارزش علمی و عملی بالایی خود را دارد؛ چه صحابه درهای دانش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و راه‌های رسیدن به آن هستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را تربیت کرده، آموزش داد و فهم عمیق بخشید؛ تا واسطه بین او و مردم باشند و هنگام بازگشت به قوم خود آنان را انذار دهند.^۴

۱. همان، ص ۴۳۵.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۶.

۳. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۱، ص ۹۸.

۴. همان.



آیت الله معرفت، اقوال صحابیان را با دو شرط معتبر دانسته‌اند: اول: سند روایات به صحابی صحیح باشد، دوم: از اصحاب طراز اول باشد.^۱ ایشان با شرط دوم بسیاری از افراد اطراف پیامبر ﷺ را که به عنوان صحابی از آن‌ها یاد می‌شود از نام صحابه خارج کرده‌اند. از این رو، با ذکر روایتی از امام رضا علیه السلام معاویه را از صحابه نمی‌داند.^۲

از نوشته‌های ایشان روشن می‌شود که همین صحابیان نیز هم طراز نیستند بلکه صحابیان معصوم مانند حضرت علی علیه السلام قولشان حجت است اما صحابیان غیر معصوم قولشان فقط ارزشمند و از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است که آن را از تفاسیر هر دوره دیگر متمایز می‌سازد.^۳ بنابراین، بر اساس دیدگاه آیت الله معرفت سخن صحابی در تفسیر معتبر است؛ چه فهم تفسیری و چه روایت تفسیری او. ایشان سخن صحابه را یکی از منابع اصیل در تفسیر می‌دانند ولی این نکته را هم گوشزد کرده‌اند که از روایات ضعیف و ساختگی باید دوری کرد، و نیز تصریح کرده‌اند که راهبر مفسر در این عرصه باید تحقیق باشد نه تقلید.^۴ آیت الله معرفت در کتاب التفسیر الاثری الجامع در لابه‌لای تفسیر آیات سوره‌های حمد و بقره مکرر از احادیث صحابیان استفاده کرده‌اند.^۵ البته همه آن‌ها را قابل قبول ندانسته و در موارد متعددی به نقد احادیث نقل شده پرداخته‌اند.^۶

مثلاً بعضی از روایات ابوهریره را به عنوان اسرائیلیات معرفی کرده است که در جای خود به آن اشاره می‌شود. روایتی را هم گروهی از مفسران ذیل آیه ﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾^۷ و به یاد آورید زمانی را که دریا را برایتان شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق کردیم و شما مشاهده می‌نمودید ﴿﴾ از ابن عباس آورده‌اند: وقتی پیامبر ﷺ وارد مدینه شد یهود را دید که روز عاشورا روزه هستند گفت: پس چرا امروز را روزه گرفته‌اید؟ گفتند: این روز روزی است که خداوند در آن بنی اسرائیل را از دشمنانشان نجات داد پس موسی این روز را روزه گرفت. پس پیامبر ﷺ گفت که ما به موسی از شما بر حق‌تریم، پس این روز را روزه گرفت و به روزه این روز فرمان داد. آیت الله

۱. همان، ص ۱۴۰.

۲. همان، ص ۱۰۴.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۱۵۰.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۲۹، ح ۲/۲۲۷۰؛ ج ۲، ص ۵۲۹، ح ۲/۱۵۱۱ و ص ۱۶۷، ح ۲/۴۶۹ و

۶. همان، ج ۱، ص ۲۵۹، ح ۳۳/۱ و ص ۴۰۲، ح ۶۲۰/۱؛ ج ۴، ص ۷۰، ح ۲/۳۲۶۳ و ص ۱۱۰، ح ۲/۳۴۴۹ و

۷. بقره/ ۵۰.

معرفت می‌گوید: این حدیث عجیب است. پیامبر اسلام ﷺ قطعاً از سنن پیامبران قبل از خود هم پیروی نمی‌کند چه شود که از قول یهود که اعتباری در آن نیست، پیروی کند.^۱

اعتبار تفسیر تابعین

آیت الله معرفت ضمن صحنه گذاشتن بر خصوصیات کلی تفسیر در دوره تابعان درست به همان شکل که دیگران به آن پرداخته‌اند و معرفی منابع تفسیر قرآن در این دوره بدون آن که به تعبد در مقابل آرای تفسیری تابعان قائل باشد تنها به دلیل نزدیک بودن آنان به عصر نزول قرآن، مطالعه نظرات تفسیری تابعان را از باب بررسی و تحقیق در مسائل، نه صرفاً تقلید و تعبد، امری ضروری می‌داند.

ایشان به عظمت تابعان اشاره کرده و اینکه حجم زیادی از میراث تفسیری مسلمانان از تابعین است. آیت الله معرفت تابعان را واسطه دسترسی به دیدگاه صحابه و احادیث پیامبر ﷺ دانسته و بیشتر تابعان را دانش آموخته مدارس تفسیری صحابه‌ای می‌داند که نزد صاحب رسالت پرورش یافته‌اند؛ بنابراین، ایشان همه دانش تابعان را از منابع اصیلی که به مصدر وحی امین منتهی می‌شود، گفته و این افراد را با کسانی که خاستگاه علومشان دور از دستشان است، متفاوت دانسته‌اند. به گفته ایشان، پیامبر ﷺ اصحاب خود را برای فهم قرآن و استنباط از آن تربیت کرد تا اسوه امت و نشانه‌هایی برای هدایت باشند. تابعان شایسته نیز نزد آنان تربیت شدند و بدین سان همه آنان محل رجوع امت بودند و سخنانشان، مصادر نخستین فقه و تفسیر شد. مشروط به آن که سخنان آنان از طریق متواتر یا همراه دلایل یقین آور به دست برسد.^۲

آیت الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع از روایات تابعان، بسیار استفاده کرده است.^۳ البته باید گفت تمام سخنان آنان مورد پذیرش ایشان نیست؛ گاه برخی را پذیرفته و به عنوان تفسیر آیه از آن‌ها بهره برده است، گاه به موارد اشکال و وجود تناقض بین آن‌ها اشاره^۴ و در بیشتر موارد سکوت کرده و فقط به نقل اکتفا نموده است.

مثلاً در باره آیه ﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا﴾^۵ آن‌ها پیوسته با شما جنگ می‌کنند تا اگر توانستند شما را از دینتان برگردانند^۶، ابن احمد روایتی را با سند از عکرمه آورده که

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۳، ص ۵۶، ح ۱۸۰۴/۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۰، ح ۱۰۶/۲ و ص ۱۱۳، ح ۲۸۶/۲؛ ج ۳، ص ۱۴۷، ح ۲۰۳۷/۲ و

۴. همان، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۱۹۲۷/۲ و

۵. بقره/ ۲۱۷.



علی علیه السلام می خواست مردمی را که از دین اسلام برگشته بودند، بسوزاند که ابن عباس به او گفت: که آن‌ها را نسوزان، چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله گفته که قاتلان به عذاب خداوند عذاب می شوند، سخن رسول الله صلی الله علیه و آله: هر کس دینش را تبدیل کند، پس او را کشته است. آیت الله معرفت گفته که این حدیث نزد ما ناپسند است؛ قضیه سوزاندن مردمی که از دین برگشته بودند توسط امام، حدیث جعلی و ساختگی است که توسط ایادی گناهکار وضع شده تا شأن داناترین مردم را بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله پایین بیاورند و علم ابن عباس در برابر علم علی علیه السلام مانند قطره‌ای از دریاست پس چگونه ابن عباس، علی علیه السلام را موعظه کرده است.^۱

بررسی سندی روایات تفسیری

برای این امر، دانش رجال پایه‌گذاری و در بین شیعه و اهل سنت کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشته شد تا راویان از نظر وثاقت، مذهب و نقاط ضعف و قوت شناسایی و به نسل‌های آینده معرفی شوند. از این رو، هنگام نقل حدیث، سلسله راویان مورد بررسی و خبر واحد در یکی از اقسام صحیح، حسن، موثق و ضعیف قرار می‌گیرد. بیشترین کاربرد شیوه بررسی سند در احادیث فقهی بوده و هست. اما احادیث تفسیری زیادی که در تفاسیر روایی شیعه مثل تفسیر عیاشی، البرهان، نور الثقلین و در تفاسیر روایی اهل سنت مثل تفسیر جامع البیان طبری نقل شده است، نیز به بررسی سندی نیاز دارد. برخی مفسران نیز گاهی به بررسی سندی این گونه احادیث پرداخته‌اند.

البته در باره کاربرد شیوه بررسی سندی در روایات تفسیری و تقدم آن بر بررسی محتوایی، اختلاف نظرهایی بین صاحب‌نظران وجود دارد، از جمله آیت الله معرفت، بررسی سندی را در این جا کارآمد نمی‌داند، بر خلاف فقه که این شیوه در آن جا کارآمد است. البته ایشان در کتاب التفسیر الاثری الجامع گاهی اگر حدیثی هم از نظر سند و هم از نظر متن مشکل جدی داشت به این موضوع اشاره و حدیث را رد کرده‌اند. به چند نمونه از این موارد اشاره می‌کنیم:

در باره آیه ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسَلِّ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾^۲ قطعاً ما تو را به درستی و راستی، بشارت دهنده و بیم رسان فرستادیم، و تو [بعد از ابلاغ پیام حق] مسئول [ایمان نیاوردن و وضع و حال] دوزخیان نیستی^۳. دو روایت از محمد بن کعب قرظی و داوود بن ابی عاصم آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند که کاش پدرانمان نیز این کار را انجام داده بودند (به دین اسلام گرویده بودند) که

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۵، ص ۴۱۷، ح ۶۲۵۱/۲.

۲. بقره/ ۱۱۹.



این آیه نازل شد. آیت الله معرفت هر دو حدیث را دارای ضعف اسناد، مرسل و معضل می‌داند و بیان می‌کند که افزون بر این، متن دو روایت هم مخالف سیاق و دلیل عقلی است چرا که پدران پیامبر ﷺ پاک بودند و رحم‌های مادرانشان نیز پاک بود و به وسیله روایاتی که درباره آیه ﴿وَتَقَلَّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾^۱ و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحوّل از اصلاّب شامخه به ارحام مطهره) آگاه است ﴿آمه است که پیامبر ﷺ از اصلاّب طاهره و از ارحام مطهره بود. در ادامه، سخن طبری را آورده که خداوند پدرش عبدالله و مادرش آمنه را زنده می‌کند تا ایمان آورند.^۲

در باره آیه ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾^۳ بر تمام نمازها و به خصوص نماز میانه محافظت و مراقبت کنید ﴿در روایتی گفته‌اند که منظور از الصلاة الوسطی، نماز عصر است. آیت الله معرفت بیان می‌کند که زید بن عبید که در سند آن است، شناخته شده نیست و همچنین عمیر بن یریم، هر دو مجهول هستند البته ممکن است هبیره بن یریم بوده باشد که این جا تصحیف شده است ولی هبیره بن یریم هم شناخته شده نیست و وثاقتش ثابت نشده است؛ پس شکی نیست که این روایت دروغین و از جهالت راوی است. زیرا بر اساس روایات زیادی منظور از الصلاة الوسطی، نماز ظهر است.^۴

بررسی محتوایی روایات تفسیری

برای بررسی محتوایی روایات تفسیری، دانشمندان علوم حدیث به دانش‌های فقه الحدیث و نقد الحدیث رو آوردند و در این راستا معیارهای نقد محتوایی شکل گرفت که مشهورترین آن‌ها مخالفت با کتاب، سنت قطعی، عقل و علم قطعی است. از این رو، شارحان و ناقدان حدیث در طول تاریخ اسلام به بررسی محتوای احادیث پرداخته و تلاش کرده‌اند احادیث درست و نادرست را از یکدیگر جدا سازند.^۵

بیشترین کاربرد شیوه نقد محتوایی حدیث، در باره احادیث اعتقادی بوده است؛ اما پرسش اساسی این جاست که در بررسی احادیث تفسیری کدام شیوه را به کار ببریم؟ و اصولاً کدام شیوه کارایی دارد؟ آیت الله معرفت در مقدمه گرانسنگ التفسیر الاثری الجامع به این مطلب پرداخته است و معتقد است:

۱. شعراء / ۲۱۹.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۴، ص ۱۶، ح ۳۱۳۸ / ۲ و ۳۱۳۹ / ۲.

۳. بقره / ۲۳۸.

۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۶، ص ۱۱۲، ح ۷۰۰۴ / ۲.

۵. ر. ک: مجلسی، محمد باقر؛ مرآة العقول، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.



اگرچه بررسی سندی ارزشمند است، اما در درجه دوم قرار دارد، و مهمترین شیوه برای بررسی احادیث تفسیری، بررسی محتوا و فحوی و قوت مطالب و... آن‌هاست و این در درجه اول قرار دارد.^۱

ایشان معتقد است که بحث از سند روایت، بحثی فرعی است که غالباً عقیم است؛ زیرا روایات مرسل زیاد بوده و در بسیاری از موارد شرح حال افراد، مجمل و مبهم است؛ علاوه بر آنکه امکان دستبرد به سند روایات وجود دارد. بنابراین شیوه نقد متنی، کامل‌تر و بهتر است.

به هر حال نظر آیت الله معرفت آن است که در روایات تفسیری، عمده توجه و تکیه بر متن روایات است و سند در مرتبه دوم قرار دارد. اهمیت نظر ایشان در چگونگی نقد روایات تفسیری از این رو باید مورد توجه قرار گیرد که اینک بیشتر تفاسیری که در اختیار ما است مانند تفسیر قمی، تفسیر عیاشی و ... از نظر سند، ایراد و اشکال‌های متعددی دارد.

ارزیابی عملی (محتوایی) آیت الله معرفت در باره روایات تفسیری

آیت الله معرفت، در التفسیر الاثری الجامع ابتدا خود تفسیر کوتاهی از آیه مورد نظر را ارائه می‌دهد و در برخی موارد هم سخن مفسران مقدم و گاهی هم نظرات مذاهب مختلف را در باره آیه بیان می‌دارد؛^۲ سپس روایات مربوط به آیه را می‌آورد. در جایی که اختلاف نظر بین روایات وجود دارد نظرات برتر را می‌گوید. مثلاً در باره آیه ﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ﴾^۳ و (به یاد آر) هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود^۴، پس از آوردن چندین روایت می‌گوید که سخن مجاهد، ابو صالح و ربیع بن انس از سخن دیگران صحیح‌تر است.^۵ و گاهی هم خود به جمع‌بندی روایات می‌پردازد و نظر نهایی را می‌گوید. مثلاً در باره آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوىَ﴾^۵ بعد از آوردن روایات مختلفی که در باره معنای «المن» و «السلولی» آمده، می‌گوید که «المن» همان ترنجبین است و مانند عسل شیرین است و «السلولی» پرنده‌ای است به رنگ قرمز که در مصر است.^۶

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۵۵ و ج ۶، ص ۶۰.

۳. بقره / ۱۲۴.

۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۴، ص ۴۱.

۵. بقره / ۵۷.

۶. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۰.



گاهی هم بعد از آوردن چند روایت، سخن مفسرانی مانند طبری^۱ و علامه طباطبائی^۲ را در باره تفسیر آیه در جمع‌بندی روایات آورده و خود دیگر سخنی در این موضوع نگفته است.

ایشان در باره اختلاف روایات گاهی با آوردن کلمه «ملحوظه» (قابل ملاحظه) روایاتی را برای تکمیل بحث آورده‌اند.^۳ آیت الله معرفت اگر به مطلب قابل توجهی در روایتی برمی‌خوردند با آوردن «نکته دقیقه» یا «نکته ظریفه» به آن مطلب مهم در آن روایت اشاره می‌کردند.^۴ مثلاً روایتی از امام باقر (ع) آمده که مردی در باره آیه ﴿وَنَحْنُ لَهُ مَخْلُصُونَ﴾^۵ و ما [در ایمان، اعتقاد، طاعت و عبادت] برای او اخلاص می‌ورزیم از ایشان پرسید: آیا اشکال دارد که انسان ظاهر خود را خوب نگه دارد؟ امام باقر (ع) فرمودند: اشکالی ندارد. آیت الله معرفت با آوردن «نکته دقیقه» به این موضوع اشاره کرده‌اند که ذات انسان این است که خود را بین مردم متعارف و خوب ظاهر کند و انسان باید صمیم قلبش هم صلاح، عمل خیر و فضیلت دادن به مردم باشد.^۶

آیت الله معرفت معیار اساسی در نقد متنی و محتوایی احادیث را عرضه روایات بر محکمت قرآن می‌داند. به عقیده ایشان احادیث عرضه روایات بر قرآن متواتر است، از جمله این روایت را می‌آورد:

فقد تواتر عن النبي ﷺ: خطب النبي: بمنى فقال ايها الناس ما جائكم عنى يوافق كتاب الله فانا قلته وما جائكم يخالف كتاب الله فلم اقله؛^۷ ای مردم آنچه که به سوی شما آمد اگر موافق کتاب خدا بود من آن را گفته‌ام و اگر مخالف کتاب خدا بود من آن را نگفته‌ام.

و بعد از ذکر احادیث متعدد در این زمینه می‌نویسد:

معیار نخست برای تمیز روایت قوی از ضعیف، عرضه بر محکمت دین (قرآن، سنت و عقل) است. نظیر عرضه متشابهات قرآن بر محکمت آیات، و مقصود از کتاب در این جا کنایه از محکمت دین و ضروریات عقل است که شامل سنت قطعی و برهان عقل می‌شود. پس هرچه موافق آن‌هاست، استوار و صحیح است

۱. همان، ج ۳، ص ۲۰۲ و ۲۲۱؛ ج ۵، ص ۵۴ و ...

۲. همان، ج ۵، ص ۱۰۹؛ ج ۶، ص ۱۸۴ و ۲۷۴ و ۳۱۴ و ۳۴۶ و ...

۳. همان، ج ۳، ص ۲۱۹ و ۲۷۰؛ ج ۴، ص ۵۱ و ۱۴۳؛ ج ۵، ص ۶۸ و ۱۰۵ و ...

۴. همان، ج ۳، ص ۲۱۴.

۵. بقره/ ۱۳۹.

۶. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۴، ص ۱۱۷.

۷. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷۹، ح ۱۵.



و هرچه مخالف آن هاست، نادرست به شمار می آید.^۱

بنابراین، بر اساس دیدگاه آیت الله معرفت، معیار اساسی نقد روایات، نقد متنی و محتوایی است و نقد سندی به تنهایی کافی نیست؛ و معیار اصلی در نقد محتوایی عرضه بر محکmat دین است که شامل قرآن، سنت قطعی و عقل می شود.

عرضه بر قرآن

گفته شد که اصلی ترین مورد نقد محتوایی، عرضه روایات بر قرآن کریم است. در روایات این امر بیان شده است و علمای شیعه و اهل تسنن بدان تصریح کرده اند.

آیت الله معرفت هم چون دیگر اندیشمندان، قرآن را مهم ترین ملاک ارزیابی روایات می داند و در مقدمه التفسیر الاثری الجامع می نویسد:

از آن رو که احادیثی که از گذشتگان به ما رسیده، نقش اساسی در تفسیر و فهم معانی قرآن دارند، باید دید آیا در طول زمان، سلامت، زلالی و خالصی آنها پایدار مانده است؟ این مطلب توجه دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده و موجب شده است که مرز شناخت احادیث صحیح از ساختگی را مشخص کنند و مهم ترین آن مرزها مطالبی است که پیامبر اکرم ﷺ به آن توجه داده که عبارت از «عرضه روایات بر کتاب خدا و آیات محکم آن» است. بر این اساس، روایاتی که موافق کتاب خدا باشند، حق هستند و آنچه مخالف آن باشد، باطل است.^۲

وی مقصود از مخالفت یا موافقت با قرآن را موافقت یا مخالفت حرفی و لفظی با قرآن نمی داند، بلکه مراد از آن را مخالفت جوهری دانسته که با روح اسلام در همه قوانین و احکام آن منافات دارد. ایشان معتقد است دانشمندان ژرف اندیش به دلیل علمی که به مواضع دین و اسرار شریعت دارند، می توانند بر آن اشراف یابند.^۳

برای نمونه درباره آیه ﴿وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لَا أَرْؤَاهُمْ﴾^۴ مردانی از شما که می میرند و زنانی برجای می گذارند باید که درباره زنان خود وصیت کنند، ابو مسلم اصفهانی می گوید

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۲۵.

۴. بقره/ ۲۴۰.



که منظور آیه این است: اگر کسی فوت کرد و همسری از خود باقی گذاشت باید برای نفقه و سکونت او وصیت کند ولی عمل به این وصیت واجب نیست و همسر اختیار دارد که پس از انقضای عده ازدواج کند و در حقیقت این آیه نقض عادت جاهلیت است که همسرانشان را پس از فوت به ماندن در خانه مجبور می‌کردند و این آیه ناسخ است. آیت الله معرفت بیان می‌کند که اول این که نسخ در این جا معلوم و محقق نیست؛ دوم این که تأخیر ناسخ بر منسوخ در نزول واجب است و باید این تأخر در مصحف هم به ترتیب آمده باشد اما این جا تقدم ناسخ بر منسوخ است که درست نیست پس حکم به نسخ نمی‌شود چون ضرورتی ندارد. ظاهر آیه اختصاص به کسانی دارد که از همسران فوت شده و فرزندی ندارند و گر نه بقاء به میراث فرزندان است البته فرزندان هم نباید مادرشان را بیرون کنند. این آیه منافاتی با آیه میراث و اعتداد ندارد که بگوییم این آیه، ناسخ آن‌ها است.^۱

آیت الله معرفت سخن ابو مسلم که گفته است این آیه، ناسخ آیه مواریث است را با عرضه بر قرآن و با توجه به روح حاکم بر قرآن که آیه ناسخ بر آیه منسوخ متقدم نمی‌شود، رد کرده است. همین طور که می‌دانید آیه میراث آیه یازدهم سوره مبارک نساء است.

در باره آیه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾^۲ در دین هیچ اجباری نیست^۳، روایتی از ضحاک آمده که قطعاً آیه نفی اکراه، به شأن اهل کتاب نازل شده است زیرا عرب که امت امیه بودند، برایشان دینی نبود پس قطعاً اهل کتاب بودند که با شمشیر بر دین اکراه کردند. آیت الله معرفت می‌گوید که شکی نیست که این وهم است و از سرکشی عرب سرچشمه می‌گیرد؛ بلکه آن‌ها بودند که میثاقشان را نقض کردند و عهده را که با مسلمانان بسته بودند رعایت نکردند. پس این حکم عامی است که مخالف صریح قرآن است.^۴

در قرآن آیات متعددی داریم که کافران و منافقان که بیشتر همان فرزندان امیه بودند چندین بار عهدشان را با مسلمانان نقض کردند.^۵ آیت الله معرفت با عرضه روایت بر قرآن این روایت را مخالف صریح قرآن می‌داند.

شایان ذکر این که در التفسیر الاثری الجامع نمونه‌های عرضه شده بر قرآن زیاد آمده است.^۵

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۶، ص ۱۶۳، ذیل ح ۷۲۱۸/۲.

۲. بقره / ۲۵۶.

۳. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ص ۲۸۵، ذیل ح ۷۴۹۵/۲.

۴. رعد / ۲۵؛ توبه / ۸ و ۱۰ و ۱۳ و ...

۵. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۳، ص ۸۳، ذیل ح ۱۸۳۹/۲ و ص ۲۳۸؛ ج ۴، ص ۱۳۵، ذیل ح ۳۵۱۸/۲ و ص ۳۲۳، ذیل ح ۴۱۸۹/۲ و ص ۳۴۴، ذیل ح ۴۲۷۳/۲؛ ج ۵، ص ۵۵۹، ذیل ح ۶۷۰۲/۲ و ...

عرضه بر سنت

عرضه روایات بر حدیث معتبر، نکته‌ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یاران خود را بدان متنبه ساخته‌اند و ائمه معصوم علیهم السلام نیز بر آن تأکید کرده‌اند:

از ما سخنی را که بر خلاف قرآن باشد، نپذیرید؛ چرا که ما چون سخن بگوئیم، در موافقت با قرآن و سنت سخن خواهیم گفت. ما از خداوند و رسول گرامی‌اش حدیث می‌گوئیم. همانا سخن آخرین ما مانند کلام اولین ماست و کلام اولین ما مؤید کلام آخرین ماست. پس اگر کسی آمد که جز این بر شما روایت کرد، سخنش را به خودش باز گردانید.^۱

بیشتر علما و اندیشمندان، عرضه به سنت را دومین ملاک ارزیابی حدیث می‌دانند. برخی از آنان سنت را به صفتی همچون تواتر یا استفاضه مقید کرده‌اند.^۲

آیت الله معرفت در بیان روش خویش در مقدمه التفسیر الاثری الجامع، عرضه روایات تفسیری به سنت را بیان نموده و در تفسیر از آن بهره برده است.

از جمله این موارد، می‌توان به روایتی اشاره کرد که ذیل آیه الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ؛^۳ این طلاق دو بار است و از آن پس یا به نیکو وجهی نگه داشتن اوست کَلِمَةُ آمده، سوید بن غفله آورده که عائشه خثعمیه همسر حسن بن علی علیه السلام بود، هنگامی که حضرت علی علیه السلام کشته شد همسرش به او گفت که چرا در خلافت سستی می‌کنی امام حسن علیه السلام فرمود: علی علیه السلام کشته شد و تو مرا شماتت می‌کنی برو که تو را سه بار طلاق دادم، و مقداری پول را با پیکری برای او فرستاد و زن وقتی فرستاده امام به سوی او آمد گفت این متاع قلیلی است از یک دوست جدا شده و گریه کرد، سپس امام حسن علیه السلام گفت: از پدرم و او هم از جدم شنید که هر که یک بار به زنش زبانی و یا مبهم بگوید که سه بار تو را طلاق دادم دیگر برای او حلال نیست تا این که دوباره با همسرش ازدواج کند و به سوی او باز گردد. آیت الله معرفت می‌گوید که این سخن اشتباه است و حاشا که اهل بیت علیهم السلام سخنی بگویند که جدشان رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را انجام نداده است، اگر آن است و اگر آن را به کتاب و سنت برگردانیم، متوجه می‌شویم که سه طلاقه کردن در پاکی و با شرایطی واقع می‌شود و این یک بار است و طلاق در غیر پاکی واقع نمی‌شود و اثری از آن نیست.^۴

۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۹.

۲. سبحانی، جعفر؛ الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۵ هـ، ص ۶۰.

۳. بقره / ۲۲۹.

۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۶، ص ۲۵، ذیل ح ۶۷۳۷/۲.





آیت الله معرفت با توجه به مغایرت این روایت با قرآن و سنت، آن را رد کرده است.

در باره آیه ﴿خَافُطُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾^۱ بر تمام نمازها و به خصوص نماز میانه محافظت و مراقبت کنید، روایت‌هایی از صحابه و تابعین و روایتی را هم گروهی از زبان امام علی (ع) آورده‌اند که نماز وسطی همان نماز عصر است که سلیمان در آن کوتاهی کرد تا این که خورشید غروب کرد. علامه این روایت را متضاد آنچه که قبلاً از پیامبر (ص) و امام علی (ع) گفته شده بود که نماز وسطی همان نماز ظهر است، می‌داند. همچنین در آن اشاره به قصه اسطوره‌ای شده که قداست پیامبران خدا را زیر سؤال می‌برد.^۲

آیت الله معرفت این روایت را هم به دلیل مغایرت با سخن رسول خدا (ص) که همان سنت ایشان است، رد کرده است.

همین طور نمونه‌های زیاد دیگری هم در این کتاب برای عرضه بر سنت آمده است.^۳

ارزیابی عقلی

یکی از راه‌های شناخت سره از ناسره احادیث، مخالفت با سنجش عقلی است که عموم پژوهشگران و محققان اسلامی در میان اهل سنت و شیعه آن را معتبر می‌شمارند. علامه طباطبائی و آقای سبحانی از شیعه، مخالفت روایت با عقل را دلیلی برای عدم پذیرش آن دانسته‌اند. همچنین صبحی صالح و ادلیبی از اهل تسنن آن را از ملاک‌های ارزیابی حدیث می‌دانند.

آیت الله معرفت روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که:

إذا اتاكم عنی حدیث فاعرضوه علی کتاب الله و حجة عقولکم فان وافقهما فاقبلوه و الا فاضربوا به عرض الجدار؛^۴ اگر چیزی از ما به شما رسید آن را به کتاب خدا و عقل هایتان برگردانید اگر موافق آن‌ها بود آن را بپذیرید و گرنه آن را به دیوار بزنید.

بدین معنا که رسول خدا (ص) عقل را در کنار کتاب خدا، معیاری برای تشخیص سلیم از سقیم قرار داده است.^۵

۱. بقره/ ۲۳۸.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۶، ص ۱۱۵، ذیل ح ۷۰۱۲/۲.

۳. همان، ص ۱۵۲، ذیل ح ۵۵۰۳/۲ و ص ۱۵۳، ذیل ح ۵۵۰۴/۲ و ص ۶۵، ذیل ح ۵۱۹۷/۲ و

۴. مجلسی، محمد باقر؛ مرآة العقول، پیشین، ح ۳۴۳/۲.

۵. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۵.



در باره آیه ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ﴾^۱ آنان را که در راه خدا کشته می شوند، مرده مخوانید، آن ها زنده اند^۲، روایتی از پیامبر ﷺ آمده که نفس روح مؤمن به صورت پرنده ای روی درختی از بهشت است تا این که روز قیامت خداوند جسمش را به او باز می گرداند و این دلالت بر عموم مؤمنین دارد و این که در قرآن به شهدا اختصاص داده شده به خاطر تکریم و تعظیم شان است. نووی در باره آن گفته است که هنگامی که خداوند اراده کند روح مؤمن یا شهید را وقتی که از بدن او خارج شد در چراغ هایی یا پرنده ای و یا هر جای دیگری که بخواهد قرار می دهد و بعید است که اجسام به ارواح برگردد. آیت الله معرفت می گوید که این از عقاید محض اشعری ها است که با شریعت عقل تنافی دارد.^۳

ذیل آیه ﴿إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۴ و در آن ایام اگر شوهرانشان قصد اصلاح داشته باشند به باز گرداندنشان سزاوارترند. و برای آنان حقوقی شایسته است همانند وظیفه ای که بر عهده آنهاست^۵ حدیثی از امام باقر ﷺ آمده که زنی پیش رسول خدا ﷺ آمد و گفت یا رسول الله حق زوج بر همسرش چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: او را اطاعت کند و نافرمانی نکند و بدون اجازه او از خانه اش خارج نشود اگر بی اجازه از خانه اش خارج شود لعنت ملائکه آسمان و زمین بر او است تا به خانه بازگردد. زن گفت: یا رسول الله برترین مردمی که حقی بر مرد دارد چه کسی است؟ فرمود: پدر و مادرش، زن گفت: پس برترین مردمی که حقی بر زن دارد چه کسی است؟ فرمود: همسرش، زن گفت: برای من هم حقی برای او است مانند آنچه او بر من دارد؟ فرمود: نه، از هر صدا تا هم یکی نیست، پس زن گفت: قسم به کسی که تو را به حق به پیامبری برانگیخت هرگز مردی نمی تواند مالک من شود. آیت الله معرفت می گوید که این حدیث تنافی با ظاهر قرآن دارد: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ و با شریعت عقل هم تنافی دارد زیرا ایشان همیشه زنان مجرد را به ازدواج ترغیب می کرد.^۶

نمونه های دیگری نیز در این کتاب در باره تعارض با عقل آمده است.^۷

آفات روایات تفسیری

آیت الله معرفت مهم ترین آسیب در تفسیر اثری را فراوانی انگیزه های تزویر و فریب کاری در روایات

۱. بقره / ۱۵۴.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۴، ص ۲۷۱، ذیل ح ۲/۴۰۱۶.

۳. بقره / ۲۲۸.

۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۵، ص ۵۵۹، ذیل ح ۲/۶۷۰۲.

۵. همان، ج ۶، ص ۲۱، ح ۲/۶۷۲۸ و ص ۲۲، ح ۲/۶۷۲۹ و ص ۲۶۷، ح ۲/۷۴۷۹ و



تفسیری و فزونی وضع و جعل می‌داند که با اهدافی صورت می‌گیرد: برخی با هدفی پلید و برخی از سر حسن‌نیت و به دلیل نادانی و ناهمپی مفرط. به همین خاطر، روایاتی اسرائیلی و احادیثی ساختگی به دست داستان‌سرایان و نیرنگ‌بازان و دسیسه‌پردازان شکل گرفت و کتاب‌های تفسیر و حدیث را پر کرد؛ بلایی فاجعه‌آمیز که علمای هوشیار اسلام را به رنج و زحمت انداخت. ایشان از جمله آفات مهم تفسیر نظری را نیز احتمال تفسیر به رأی در موارد بسیاری می‌داند.^۱

ایشان حدیث‌سازی در تفاسیر منسوب به سلف صالح به ویژه ائمه اهل بیت علیهم‌السلام را که رواج فراوان هم دارد، مایه تأسف می‌داند و متذکر می‌شود که چون دروغ‌پردازان با درک موقعیت بالای اهل بیت در میان امت و مقبولیت والای ایشان نزد خاصه و عامه آگاه بودند، زمینه مناسبی برای ترویج سخنان باطل خود و داغ شدن بازار کساد کالای خود یافتند. بنابراین، به حدیث‌سازی و جعل سند و نسبت دادن به پیشینیان و ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداختند تا پذیرفته شود. ایشان ضمن اشاره به این که این امر گرچه با طبع سلیم و عقل رشید ناسازگاری دارد، با قداست اسلام و مبانی حکیمانه آن نیز در تضاد است و خوشبختانه بیشتر این‌گونه روایات ساختگی یا مقطوع السند هستند یا سندهای سستی دارند که به وسیله رجالی ضعیف و مشهور به جعل و حدیث‌سازی، شکل گرفته است که خود سبب سقوط آن‌ها از درجه اعتبار شده است. از این رو، برخی جوامع حدیثی که انباشته از این‌گونه تفاسیر مأثور (نقل شده) از ائمه علیهم‌السلام است، جز از احادیث آن قابل اعتنا نیست.^۲

جعل و تحریف در روایات تفسیری

واژه «جعل» در لغت در معانی قرار دادن، آفریدن، پدید آوردن، تغییر و حکم کردن به کار رفته است.^۳ و هر گاه به حدیث اضافه شود (جعل حدیث) و یا وصف برای آن واقع شود (حدیث مجعول) در اصطلاح در دانش حدیث، به معنای سخن برخاسته و اسناد آن به معصوم علیه‌السلام است.^۴

آیت الله معرفت اگر در التفسیر الاثری الجامع به حدیث جعلی برخورد کرده‌اند به آن اشاره کرده و آن

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، پیشین، ج ۱، ص ۴۵۵.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن احمد؛ المفردات فی غریب القرآن، ذیل ماده «جعل».

۴. شهید ثانی، زین الدین؛ الرعايه فی علم الدرايه، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ هـ، ص ۱۵۲؛ مامقانی، عبدالله؛ مقیاس الهدایه فی علم الدرايه، لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۱ هـ؛ ج ۱، ص ۳۹۸.

را رد کرده‌اند؛^۱ به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

روایتی در بارهٔ آیه ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ﴾^۲ و در برابر آنها خدا تو را کافی است، آورده شده که پیامبر ﷺ به عثمان گفته تو کشته می‌شوی در حالی که سورهٔ بقره را می‌خوانی و وقتی قطره‌ای از خون تو بر زمین ریخت می‌گویی «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ». آیت الله معرفت سخن ذهبی را در مختصر مستدرک آورده که این کذبی بیش نیست و در سند آن محمد بن عبد الحمید الجعفی هست که متهم به دروغ‌گویی است.^۳

همین طور روایتی را ذیل آیه ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ﴾^۴ طلاق (طلاق که شوهر در آن رجوع تواند کرد) دو مرتبه است، از زبان ابی ایوب الخزاز گفته که نزد امام صادق ﷺ بودم که مردی آمد و گفت: زنم را سه طلاقه کرده‌ام. امام به او گفت: درست است، مردی دیگر آمد و گفت زنم را سه طلاقه کرده‌ام. امام به او گفت که این یک بار است، مرد دیگری آمد و گفت: زنم را سه طلاقه کرده‌ام. امام به او گفت: که این طلاق درست نیست. از او پرسیدند چرا سه جواب متفاوت دادید. امام گفت: مرد اول بر سنت پیامبر ﷺ عمل کرده بود پس طلاقش درست بود و مرد دوم زنش را در حال پاکی طلاق داده بود که این یک بار است و مرد سوم زنش را در غیر پاکی طلاق داده بود که این طلاق درست نیست. آیت الله معرفت می‌گوید که ظاهر این حدیث تشویش دارد چرا که سؤالی مجمل را در سه نوبت تکرار کرده است و تبیین نکرده که در یک مجلس بوده یا در چند مجلس و شروطی بر آن واقع شده یا نه، و می‌دانیم که ائمه علیهم السلام فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین اهل زمانشان بودند و صحبتی جز به بلاغت نمی‌کردند و سخنانشان فصیح، واضح و دور از ابهام است که در این حدیث دست جعل و تزویر روشن است.^۵

اسرائیلیات در روایات تفسیری

اصطلاح اسرائیلیات گاهی در معنایی ویژه، فقط بر آن دسته از روایاتی اطلاق می‌شود که صبغهٔ یهودی دارد^۶ و گاهی در معنایی گسترده‌تر، هر آنچه را که صبغهٔ یهودی و مسیحی دارد و در منابع اسلامی وارد شده و گاهی نیز هر گونه روایت و حکایتی را شامل می‌شود که از منابع غیر اسلامی (اعم از شفاهی و

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۷۶۲۶/۲.

۲. بقره/ ۱۳۷.

۳. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۴، ص ۱۱۱.

۴. بقره/ ۲۲۹.

۵. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۶، ص ۲۲، ح ۶۷۲۹/۲.

۶. مصاحب، غلام حسین؛ دائرة المعارف فارسی، مؤسسه انتشارات فرانکلین، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۵.





غیر شفاهی) وارد قلمرو فرهنگ اسلامی شده است.^۱ اسرائیلیات از جمله مهم‌ترین آفات زیان‌بار روایات تفسیری به شمار می‌رود.

آیت الله معرفت در کتاب التفسیر الاثری الجامع روایاتی را که رنگ و بوی اسرائیلی دارد به آن اشاره کرده‌اند^۲ که به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

روایتی از الحجة البلاغی ذیل آیه ﴿وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ﴾^۳ و بگوئید: (خدایا) گناهان ما فرو ریز، تا از خطای شما درگذریم ﴿آمده که بنی اسرائیل باید در سرزمین بیت المقدس زکات نقره، گاو، گوسفند، خمر و مسکر را انفاق کنند تا خداوند گناهان آن‌ها را بیامزد. آیت الله معرفت می‌گوید که آیا این عقلانی است که خداوند امر به انفاق زکات در شرب خمر و مسکر در خانه عبادتش کند و از زبان شیخ محمد عبده و سید رشید رضا آورده که این روایات اسرائیلی است و یهود در این مورد تأویلات بسیاری آورده است.^۴

روایتی را هم ذیل آیه ﴿وَمَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾^۵ و هر کس از شما از دین خود برگردد و به حال کفر باشد تا بمیرد چنین اشخاص اعمالشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده ﴿از ابو هریره آمده که گفت از پیامبر ﷺ شنیدم که مورچه‌ای پیامبری را گزید و او فرمان داد که محل زندگی مورچه را آتش بزنند. پس از طرف خداوند به او وحی شد که مورچه‌ای تو را گزید و تو امتی از امت‌های من را که تسبیح گوی من بودند آتش زدی؟! آیت الله معرفت می‌گوید: این از اسرائیلیات است که نوشته کعب الاحبار و وهم ابو هریره است که سند آن را به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند و حاشا پیامبران ﷺ که بندگان مکرم خداوند هستند، عمل جبارین را انجام دهند.^۶

غربت و شدوذ در روایات تفسیری

حدیث شاذ، به روایتی گفته می‌شود که تنها دارای یک سند و راویان آن ثقة باشند، اما از نظر متن مخالف روایتی است که مشهور آن را نقل کرده‌اند. به روایت شاذ، نادر نیز می‌گویند.^۷ در فقه، عنوان

۱. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، پیشین، ج ۲، ص ۷۹.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۶، ص ۱۷۹، ح ۷۲۶۲/۲ و ص ۳۰۱، ح ۷۵۳۸/۲.

۳. بقره/ ۵۸.

۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۹.

۵. بقره/ ۲۱۷.

۶. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۵، ص ۴۱۸، ح ۶۲۵۳/۲.

۷. نصیری، علی؛ حدیث‌شناسی، قم: انتشارات سنابل، چاپ اول، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۵۶.

شاذّ، در بسیاری موارد بر حدیثی اطلاق می‌شود که فقها به مفاد و محتوای آن عمل نکرده‌اند؛ هرچند صحیح و بدون معارض باشد.^۱

۶۷



آیت الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع وقتی به این‌گونه روایت بر می‌خورد پس از روایت بدون آن‌که سخنی دیگری در نقد روایت بیاورد، فقط با آوردن کلمه «هذا حدیث غریب» اعتراض خود را از روایت و متن آن نشان می‌داد.^۲ مثلاً روایتی ذیل آیه ﴿مَا وَلَّهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا﴾^۳ چه موجب شد که مسلمین از قبله‌ای که بر آن بودند (از بیت المقدس) روی به کعبه آوردند؟ از عثمان بن حنیف آمده که وقتی رسول الله ﷺ در مکه بود، مردم را به ایمان به خداوند و تصدیق گفتاری و بدون عمل دعوت می‌کرد آن موقع قبله بیت المقدس بود ولی هنگامی که به مدینه هجرت کردند و فرائض بر ایشان نازل شد بیت الحرام، بیت المقدس را نسخ کرد و قبله مسلمانان شد. در آن موقع ایمان با قول و عمل همراه شد. آیت الله معرفت ذیل این حدیث می‌گوید: هذا حدیث غریب!^۴ و محتمل است از نظر ایشان حدیث غریب معادل حدیث شاذّ، منکر و ناشناخته باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که آیت الله معرفت روایات تفسیری پیامبر ﷺ و اهل بیت  را حجت و معتبر دانسته و در کتاب التفسیر الاثری الجامع احادیث بسیاری از پیامبر ﷺ و اهل بیت  آورده‌اند. روایات تفسیری صحابه را با دو شرط می‌پذیرند: اول سند روایات به صحابی صحیح باشد، دوم صحابی از طراز اعلی باشد. در باره پذیرش روایات تفسیری تابعان هم دو شرط گذاشته‌اند: اول این‌که روایاتشان از طریق متواتر رسیده باشد، دوم این‌که روایات آن‌ها همراه دلایل یقین‌آور باشد. از صحابه و تابعان هم روایات بسیاری در این کتاب ارزشمند آمده است. ایشان با توجه به این دو شرطی که برای صحابه و تابعان گذاشته‌اند، بسیاری از روایات آن‌ها را نقد و بررسی کرده و البته تعدادی از آن‌ها را هم بدون نقد و بررسی گذاشته‌اند.

۱. صدر، سید حسن؛ نه‌ایة الدرایة فی شرح الرسالة الموسومة بالوحیة للبهائی، تحقیق: ماجد الغریب، قم: نشر مشعر، بی‌تا، ص ۲۲۲.

۲. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۴، ص ۷۲، ح ۳۲۷۲/۲ و ص ۸۸، ح ۳۳۴۳/۲؛ ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۷۶۴۵/۲.

۳. بقره/۱۴۲.

۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۳۵۱۷/۲.



شاید این به خاطر این است که روش آیت الله معرفت در باره اعتبار روایات تفسیری متن محور بوده و بیشتر به متن روایات تفسیری توجه می کردند تا به سند آن؛ ایشان چند ملاک اساسی را در ارزیابی احادیث به کار می گرفتند که شامل عرضه بر قرآن، سنت و عقل است و روایات زیادی را بر اساس همین معیارها نقد کرده اند. آیت الله معرفت به آفات روایات تفسیری که شامل جعل و تحریف، اسرائیلیات و علت و شذوذ در روایات تفسیری است توجه کرده و آن ها را در این روایات یافته و مورد نقد و بررسی قرار داده اند.



فهرست منابع

۶۹



۱. احمدزاده، سید مصطفی؛ روش تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) از دیدگاه آیت الله معرفت، معرفت قرآنی «یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)»، به کوشش علی نصیری، تهران: چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش
۲. انورانی، جعفر؛ اعتبار روایت معصومان (علیهم السلام) در تفسیر قرآن، ادیان و عرفان (معرفت)، شماره ۷۱، آبان ۱۳۸۲ ش
۳. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۴ هـ، ۳۰ ج
۴. حسینیان، مهدی؛ اعتبار و ضرورت روایات تفسیری، فلسفه و کلام (سمات)، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹ ش
۵. دیاری بیدگلی، محمد تقی؛ آسیب شناسی روایات تفسیری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۹۰ ش
۶. راغب اصفهانی، حسین بن احمد؛ المفردات فی غریب القرآن، قم: دفتر نشر کتاب، بی تا.
۷. رجایی، طاهره؛ «روش آیت الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع»، پژوهش های قرآنی، شماره ۵۹ و ۶۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ ش
۸. رستمی، حیدر علی؛ بررسی روش گرایش روایی در تفسیر از دیدگاه آیت الله معرفت، معرفت قرآنی «یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)»، به کوشش علی نصیری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ «اعتبار سنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت»، دو فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش
۱۰. _____؛ روش شناسی کتاب التفسیر الاثری الجامع، معرفت قرآنی «یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)»، به کوشش علی نصیری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش
۱۱. رضی، محمد بن الحسین؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه چاپ الهادی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹ ش
۱۲. روشن ضمیر، محمد ابراهیم؛ «معرفی و نقد التفسیر الاثری الجامع»، حقوق (آموزه های فقهی)، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۶ ش
۱۳. سبحانی، جعفر؛ الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۵ هـ
۱۴. شهید ثانی، زین الدین؛ الرایه فی علم الدرايه، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ هـ
۱۵. صدر، سید حسن؛ نهایه الدرايه فی شرح الرساله الموسومة بالوجیزه للبهائی، تحقیق: ماجد الغرباوی،



قم: نشر مشعر، بی تا

۱۶. عابدی میانجی، محمد؛ کتاب‌شناسی تفصیلی استاد معرفت، معرفت قرآنی «یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)»، به کوشش علی نصیری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش

۱۷. علوی مهر، حسین؛ جایگاه تفاسیر روایی از دیدگاه آیت الله معرفت، معرفت قرآنی «یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)»، به کوشش علی نصیری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش، ۸ ج

۱۹. مامقانی، عبدالله؛ مقباس الهدایه فی علم الدرايه، لبنان: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۱ هـ، ۳ ج

۲۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، تحقیق محمد باقر بهبودی، لبنان: دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ، ۱۱۰ ج

۲۱. _____؛ مرآة العقول، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش

۲۲. مصاحب، غلامحسین؛ دائرة المعارف فارسی، مؤسسه انتشارات فرانکلین، بی تا

۲۳. معارف، مجید؛ تفسیر صحابه و تابعان از دیدگاه آیت الله معرفت، معرفت قرآنی «یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)»، به کوشش علی نصیری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش

۲۴. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع، مترجم جواد ابروآنی، قم: مؤسسه التمهید، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش، ۶ ج

۲۵. _____؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: الجامعة الرضوية العلوم الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ، ۲ ج

۲۶. _____؛ التمهید فی علوم القرآن، قم: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت، ۱۳۶۸ ش، ۷ ج

۲۷. ناصح، علی احمد؛ «پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری»، علوم قرآن و حدیث (پژوهش‌نامه قرآن و حدیث)، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۲ ش

۲۸. _____؛ «جایگاه روایت در تفسیر قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت»، علوم قرآن و حدیث (پیام جاویدان)، شماره ۶، بهار ۱۳۸۴ ش

۲۹. نصیری، علی؛ حدیث‌شناسی، قم: انتشارات سنابل، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش، ۲ ج

۳۰. _____؛ معرفت قرآنی «یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)»، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش، ۵ ج